

از چالش‌های معاصر اومانیستی که در سایه لیبرال دموکراسی رایج امروزی شکل گرفته، چالش میان حقوق «فردی» و حقوق «اجتماعی» به‌طور اعم و نقش‌های «فردی» و «خانوادگی» زنان به‌طور اخص است. زن را عینت شقا آریست، ۷۶ فی‌آء اولبعناهن ریدت  
چالش‌هایی از این دست با طرح سئوالاتی آغاز می‌شود؛ مانند این که انسان به‌عنوان موجودی که در دستگاه خلقت آزاد و به‌دور از هرگونه اجبار غیر عادلانه آفریده شده در عرصه‌های اجتماعی چگونه باید خود را محدود و مقید به چارچوب‌ها و نظام‌های قراردادی و اصول و موازین مورد پذیرش جامعه قرار دهد؟  
مرز بین آزادی‌های فردی و حقوق عمومی کجاست؟ و آیا می‌توان بدون قیودات تنگ‌نظرانه حقوق اجتماعی را رعایت کرد؟ مثلاً حد آزادی فرد در برداشت و مصرف فرآورده‌های طبیعت تا جایی که به حقوق عامه و به‌ویژه حقوق نسل‌های آینده و محیط‌زیست لطمه نزنند، چیست؟ یا حدود آزادی فردی یک نویسنده، یک هنرمند و یا یک روزنامه‌نگار در مواجهه با مسائلی که مورد احترام جامعه اوست تا کجاست؟

حقوق فردی یک زن در تنظیم امور شخصی و تحقق استعدادهای درونی خویش چه نسبتی با قرارداد و مسئولیت‌های خانوادگی او دارد؟ آیا انسان اصالتاً به‌عنوان موجودی اجتماعی و در قالب‌های قراردادی مقررات جامعه‌اش تعریف شده و هویت می‌یابد؟ یا این که هویت ذاتی و خودآگاهی فردی زن، اگر به‌صورت کلان و اجتماعی در

فرزانه ● ۵ آزموده را دوباره آزمودن...؟! ●